

قدرت افکنی هند و ملاحظه‌های امنیتی برای ج.ا.ایران

دکتر احمد آقاجانی^۱، محمود عسگری^۲

تاریخ تصویب: ۱۹/۹/۱۵

تاریخ ارائه: ۱۹/۸/۴

چکیده

قدرت افکنی از جمله راهبردهایی است که قدرت‌های بزرگ، در حال ظهور و منطقه‌ای آن را در دستورکار خود قرار می‌دهند. هند نیز از جمله کشورهای است که با ارتقای ظرفیت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری خود تلاش نموده خود را به عنوان یک قدرت در حال ظهور مطرح نماید. در این مقاله دلایل و ابزارهای قدرت افکنی هند مورد تحلیل قرار گرفته است. پذیرش یک دیدگاه ماهانی، کاربرد نظریه توسعه همسایگی، دستورکار جدید نظامی هند در کنار رقابت با چین و نیازهای دهلی‌نو به انرژی از جمله دلایل قدرت افکنی هند می‌باشد. همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد قدرت افکنی هند با اتکا به نیروی دریایی انجام می‌شود، هرچند از توسعه نیروی هوایی - موشکی و افزایش سطح توانمندی‌های فضایی نیز غافل نمی‌باشد. در پایان نیز نویسنده به برخی ملاحظه‌های امنیتی ج.ا.ایران در رابطه با قدرت افکنی هند اشاره نموده است. گسترش روابط ایران با هند می‌تواند در تعدیل رفتار قدرت‌های رقیب ج.ا.ایران و رفع برخی نیازهای دفاعی کشور مؤثر باشد.

واژگان کلیدی: قدرت افکنی، هند، نیروی دریایی، نیروی هوایی، ج.ا.ایران، قدرت در حال ظهور

۱. عضو هیئت علمی سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی

۲. محقق مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی

مقدمه

هند یک قدرت در حال ظهور است که تلاش خود را به تبدیل شدن به یک قدرت جهانی مبتنی بر توان و رشد اقتصادی معطوف داشته است. این کشور با وجود مشکلاتی در عرصه حکومتداری مطلوب، در حال مطرح کردن خود در صف اول تصمیم‌گیران جهانی است. هند در سال ۲۰۰۷، یک تریلیون دلار تولید ناخالص داخلی داشته است. ذخیره ارزی این کشور حدود ۳۰۰ میلیارد دلار است و ۵۰ درصد جمعیت این کشور در سن کار کردن قرار دارند. هند یکی از کشورهای ۱۲ گانه دارای بیش از یک تریلیون دلار درآمد می‌باشد (Saighal, 11 Agu 2009). همچنین این کشور دارای توانمندی‌های هسته‌ای (نظامی و غیرنظامی) است.

چنین ظرفیت و توانمندی‌هایی است که هند را متمایل به بازتعریف منافع خود نموده است. به باور دولتمردان دهلی نو، سطح قابلیت‌های این کشور به گونه‌ای است که آنها می‌توانند قدرت خود را در فواصل دورتر از مرزهای اصلی، به کار گیرند. این موضوع، نکته مهمی است. در واقع، هند با طرح این مباحث، مدعی است در حال تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ و جهانی است. از شاخص‌های اصلی ارتقای سطح و جایگاه کشورها، توان قدرت افکنی^۱ است. توانمندی‌های قدرت افکنی، وجه تمایز یک قدرت منطقه‌ای مسلط، از قدرت جهانی واقعی است (Howe, www.eurasiacenter.org).

تحلیل اقدامات و برنامه‌های قدرت‌های بزرگ و حتی منطقه‌ای، بیانگر این واقعیت است که افزایش سطح کیفی و کمی توانمندی‌های قدرت افکنی در دستورکار آنها قرار دارد. هند نیز به عنوان یک قدرت در حال ظهور^۲ از این قاعده مستثنی نیست. به نظر می‌رسد براساس تاریخ نظامی و اندیشه نظامی حاکم بر هند، این کشور هیچ‌گاه «ضربه اول» را وارد نخواهد کرد (Pant, 2005: 262). هندی‌ها بر این باورند که هر کشوری که به

1. Power Projection
2. Rising Power

سیاست عدم ضربه اول اعتقاد داشته باشد، باید از توانمندی ضربه دوم خود مطمئن باشد. این کشورها باید نیروی هوایی، دریایی و زمینی قابل اعتمادی داشته باشند (Rajain, 2005: 243)، که البته هند به برخی دلایل - که به آنها اشاره خواهد شد - تأکید ویژه‌ای بر قدرت دریایی دارد؛ چرا که کانون تفکر راهبردی کنونی هند، اقیانوس هند است (Scott, Winter 2007-8: 11) و این برخلاف نظر عده‌ای است که معتقدند هند به دلیل قرار گرفتن بین کوه‌های هیمالیا در شمال، دریایی عربی^۱ در غرب، اقیانوس هند در جنوب و خلیج بنگال در شرق، شرایط جغرافیایی مطلوبی ندارد (Hilali, Sep-Oct 2001: 74).

نقشه ۱. موقعیت جغرافیایی دریای عربی



۱. دریای عرب در شمال اقیانوس هند واقع شده است که در شرق آن هند، در شمال، ایران و در غرب آن شبه‌جزیره عربستان واقع شده است. خلیج عمان در گوشه شمال غربی دریای عربی است.

در راهبرد دریایی هند (۲۰۰۷) بارها از «قدرت‌افکنی» به‌مثابه ابزار حمایت از سیاست خارجی و رسیدن به اهداف دریایی نام برده شده است (Freedom to use the Seas, 2007, iv, 11). بررسی هزینه‌های نظامی هند نیز به‌خوبی بیانگر حرکت دولت دهلی‌نو در این مسیر می‌باشد. (جدول شماره ۱)

جدول ۱. هزینه نظامی هند ۲۰۰۰-۲۰۰۹

سال	هزینه نظامی به‌مثابه درصدی از تولید ناخالص داخلی	میزان بر حسب میلیارد دلار آمریکا
۲۰۰۹	۲/۸	۳۶/۶
۲۰۰۸	۲/۶	۳۲/۳
۲۰۰۷	۲/۵	۲۸/۹
۲۰۰۶	۲/۶	۲۸/۵
۲۰۰۵	۲/۸	۲۸/۳
۲۰۰۴	۲/۹	۲۶/۸
۲۰۰۳	۲/۸	۲۳/۱
۲۰۰۲	۲/۹	۲۲/۶
۲۰۰۱	۳	۲۲/۶
۲۰۰۰	۳/۱	۲۱/۹

Source: Cordesman, 14 Sep 2010: 6-7

یکی از دلایل اصلی تأکید هند بر قدرت دریایی در قدرت‌افکنی، آن است که نیروی دریایی این کشور ظرفیت و توانمندی‌های لازم و مناسبی دارد که می‌تواند از عهده این مهم برآید. همچنین صنایع دریایی هند پیشرفت‌های خیره‌کننده‌ای داشته‌اند. این در حالی است که دولت دهلی‌نو تصمیم دارد در ۱۰ سال آینده ۱۰۰ میلیارد دلار در زمینه نوسازی فناوری و صنایع دریایی خود هزینه نماید (India-The Quest for Air Power).

حال با توجه به این مقدمه، پرسش‌های مقاله آن است که قدرت افکنی هند چگونه قابل تبیین است؟ و دلایل و ابزارهای قدرت افکنی این کشور چیست؟ در راستای پاسخ‌گویی به این پرسش، نگارنده با استفاده از نظریه واقع‌گرایی به‌عنوان چارچوب نظری، منابع معتبر و به‌روز فارسی و لاتین را بررسی کرده و می‌کوشد مطالبی مستدل و مفید ارائه نماید.

۱. واقع‌گرایی و قدرت

واقع‌گرایی، سیاست بین‌الملل را از منظر قدرت بررسی می‌نماید. باور انسان‌شناسانه نظریه واقع‌گرایی این است که انسان، بالفطره موجودی شرور، قدرت‌طلب و بدبین است. واقع‌گرایانی مانند مورگنتا، معتقدند سیاست بین‌الملل، کشمکش بر سر قدرت است و قدرت، رابطه‌ای روانی میان کسانی است که قدرت را اعمال می‌کنند یا قدرت بر آنها اعمال می‌شود. در عرصه روابط بین‌الملل، قدرت رابطه‌ای میان دولت‌هاست. رفتار دولت‌های قدرتمند نیز بیشتر تحت تأثیر محیط بیرونی آنها می‌باشد. از این‌رو، نظام بین‌الملل، این دولت‌ها را وامی‌دارد تا قدرت نسبی خود را به حداکثر برسانند؛ زیرا این تنها راه مطلوب برای به حداکثر رساندن امنیت است. به عبارتی دولت‌ها، اگر بخواهند بخت بقای خود را افزایش دهند، باید قدرت بیشتری به دست آورند.

نگرش هستی‌شناسانه واقع‌گرایان به نظام بین‌الملل، مبتنی بر وجود هرج و مرج‌گرایی در مناسبات و ساختار بین‌المللی است. در نظام اندیشگی واقع‌گرایان، دولت‌ها مهم‌ترین بازیگران نظام بین‌المللی هستند و قاعده بازی را «اقویا» تعیین می‌نمایند و قاعده بازی، «جمع جبری صفر» است. دولت‌ها به‌منظور نیل به بالاترین سطح هدف‌ها و مطلوبیت‌ها، گریزی از قدرت‌یابی ندارند. این قدرت‌طلبی در تعارض با کمیابی منابع است که این معادله، منجر به ظهور تضاد و مناقشه بین بازیگران هم‌سطح، از یکسو و

بازیگران ناهم‌تراز از سوی دیگر می‌شود. همچنین این وضعیت، بازیگران دیگر را نیز به سوی کسب و انباشت میزان بیشتری از قدرت مایل می‌کند. به تعبیر مرشایمر^۱:

«این جست‌وجوی بی‌وقفه قدرت به آن معناست که قدرت‌های بزرگ در پی یافتن فرصت‌هایی برای تغییر نحوه توزیع قدرت جهانی به نفع خود می‌باشند. آنها اگر قابلیت‌های لازم را داشته باشند، این فرصت‌ها را به چنگ خواهند آورد» (مرشایمر، ۱۳۸۸: ۳). این روند منجر به ظهور و بروز «محظور یا معمای امنیتی» می‌گردد؛ چرا که دولت‌ها به نیات و هدف‌های دیگر بازیگران اعتمادی ندارند و قدرت‌یابی دیگر بازیگران را تهدیدی علیه امنیت و منافع خود تلقی می‌نمایند. بنابراین، دولت‌ها همواره بر مبنای اصل «خودیاری» اقدام می‌نمایند.

به گمان واقع‌گرایان، منافع دولت‌ها، تابعی از میزان قدرت آنهاست. به عبارتی منافع ملی فقط در چارچوب موقعیت قدرت، تبیین می‌گردد.

دولت‌های قدرتمند، حوزه منافع ملی گسترده‌تری دارند و همین امر موجب بروز تعارض‌های بیشتری در صحنه سیاست بین‌الملل می‌شود، در حالی که گستره منافع دولت‌های ضعیف، اغلب محلی، منطقه‌ای و محدود است. بنابراین، محاسبات قدرت بر تفکر دولت‌ها حاکم است.

مورگنتا بر این باور است که تغییر در کیفیت و کمیت قدرت دولت‌ها، دامنه منافع آنها را دستخوش دگرگونی خواهد ساخت. از این‌رو، بدون تردید کشوری که شاخص‌های قدرت آن افزایش یابد، منافع خود را وسیع‌تر از گذشته تعریف خواهد کرد (مورگنتا، ۱۳۷۴).

بنابر آنچه گفته شد، قدرت افکنی از جمله راهبردهایی است که در چارچوب واقع‌گرایی می‌تواند تبیین‌گر شرایط و انتخاب‌های دولت‌ها باشد. پیش‌نیاز قدرت افکنی، قدرت‌یابی، و نتیجه قدرت‌یابی، بازتعریف جایگاه و منافع کشورهاست. واقعیت‌های

1. Mearsheimer

نظام بین‌الملل حاکی از آن است که قدرت افکنی از جمله دستورکارهای جدی قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای است که می‌تواند تغییرات روابط و ساختار بین‌الملل را توضیح دهد.

۲. چستی قدرت افکنی

قدرت افکنی به‌مثابه یک مفهوم راهبردی، دارای کارویژه‌هایی در عرصه‌های دفاعی می‌باشد. در رابطه با تعاریف این مفهوم برخی بر این باورند که:

«قدرت افکنی عبارت از کاربرد محدود قدرت نظامی از سوی دولت‌مردان برای رسیدن به هدف‌های سیاسی در خارج از سرزمین‌های اصلی کشور می‌باشد.» (Gunzinger, 1993: 1)

وزارت دفاع آمریکا معتقد است:

«توانایی یک کشور برای کاربرد سریع، رشد همه یا بعضی از عناصر قدرت ملی (سیاسی، اقتصادی، اطلاعاتی یا نظامی)، برای پاسخ‌گویی به بحران‌ها، کمک به ایجاد بازدارندگی و تقویت ثبات منطقه‌ای را قدرت افکنی گویند.» (United States Department of Defense's Dictionary)

شاید این تعریف وزارت دفاع آمریکا، جامع و مانع به نظر برسد، ولی با دقت در آن می‌توان به این نکته رسید که در این تعریف تنها به عناصر و مؤلفه‌های مادی قدرت توجه و تأکید شده و ابعاد غیرمادی قدرت مغفول واقع شده‌اند. از این‌رو به نظر می‌رسد تعریف زیر جامع‌تر و مناسب‌تر باشد:

«قدرت افکنی، کاربری عناصر مادی و غیرمادی قدرت ملی یک دولت (درون/فراشوی مرزهای ملی) برای تحت تأثیر قرار دادن یا وادار کردن دولت رقیب/ دشمن برای انجام رفتار مورد نظر، به‌منظور دستیابی به هدف‌های ملی است.»

در برخی منابع، قدرت افکنی را به سطوح گوناگونی تقسیم‌بندی نموده‌اند که در ادامه به آن اشاره می‌شود:

- (۱) قدرت افکنی «کامل» در سطح جهانی: این قدرت افکنی به معنی برخورداری از توانایی اعمال همه نقش‌ها در یک مقیاس جهانی است. کشورهایی در این سطح، قدرت افکنی می‌نمایند که دارای طیف کاملی از توانایی‌های زمینی، دریایی و هوایی؛ متعارف و نامتعارف (نیروهای ویژه) و غیرمتعارف (تسلیمات هسته‌ای، بیولوژیکی و شیمیایی) به میزان و تعداد کافی برای متعهد شدن عملیات‌های عمده به‌طور مستقل باشند.
- (۲) قدرت افکنی «بخشی» در سطح جهانی: این قدرت افکنی را کشورهایی اعمال می‌نمایند که دارای بیشتر - و نه همه - توانمندی‌های قدرت افکنی «کامل» هستند. میزان و تعداد تسلیمات این کشورها تنها برای متعهد شدن یک عملیات خارج از منطقه^۱ کافی است.
- (۳) قدرت افکنی نظامی جهانی در سطح متوسط: این قدرت افکنی را کشورهایی اعمال می‌نمایند که ارتش‌های آنها ممکن است طیف کاملی از توانمندی‌های نظامی لازم را نداشته باشند، بلکه تنها از سلاح، تجهیزات و ظرفیت معتبری برخوردارند که آنها را به اعمال قدرت در برخی فواصل دور از سرزمین اصلی، آن هم با همکاری دیگر نیروها، قادر می‌سازد.
- (۴) قدرت افکنی نظامی منطقه‌ای متوسط: این قدرت افکنی مختص کشورهایی است که ارتش‌های آنها دارای توانایی قدرت افکنی در یک منطقه همجوار و نزدیک هستند، در حالی که آنها ممکن است ظرفیت اعمال قدرت در مناطق بزرگ‌تری را داشته باشند، ولی به هر دلیلی، از انجام آن خودداری می‌نمایند.
- (۵) قدرت افکنی نظامی در مناطق همجوار: کشورهایی این قدرت افکنی را در دستورکار خود قرار می‌دهند که توانایی اعمال قدرت خوبی را در مناطق

همجوار دارند اما نمی‌توانند عملیات‌های سطح بالایی را در فواصل فرامنطقه‌ای و قاره‌ای انجام دهند (Engelrecht, 29 March 2010: 240).

۳. دلایل قدرت‌افکنی هند

ریشه‌ها و دلایل قدرت‌افکنی هند را می‌توان به دو دسته عامل، نسبت داد. گروه نخست، عوامل «اندیشه‌ای و نظریه‌ای» و گروه دوم «واقعیت‌ها» هستند، که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

۳-۱. عوامل اندیشه‌ای و نظریه‌ای

۳-۱-۱. پذیرش اندیشه ماهانی

با نگاهی به تاریخ می‌توان دریافت که قدرت‌افکنی ابتدا از نیروی دریایی آغاز شد. به عبارتی دولت‌ها با تشکیل نیروی دریایی از آن به‌عنوان ابزار اعمال سیاست و نفوذ در خارج از مرزهای سرزمینی استفاده نموده‌اند (Kamphausen and Liang, 2007). بنیان راهبردهای دریایی و استفاده از قدرت دریایی، استفاده از دریا برای تحرک است. این استفاده عملی دولت‌ها را ماهان با انتشار کتاب «تأثیر قدرت دریایی بر تاریخ» در سال ۱۸۹۰، در قالب یک نظریه علمی مطرح کرد. ایده اصلی او آن است که نیروی دریایی در طول تاریخ، مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده در سلطه یک کشور بر دنیا بوده است. به بیانی هر کشوری که خواهان عظمت در صحنه بین‌المللی و امنیت در چارچوب مرزهای ملی خود باشد، راهکاری جز تقویت قدرت دریایی (جنگی - تجاری) ندارد (ازغندی، ۱۳۷۴: ۱۷۳-۱۴۰).

هندی‌ها مدعی هستند حرکت آنها به‌سوی افزایش توان قدرت‌افکنی در دریا، واکنشی به تحرکات چین و ژاپن است که به نوعی ماهان‌گرایی را در پیش گرفته‌اند. دهلی‌نو، اقیانوس هند را منطقه سلطه طبیعی خود می‌داند. در هند، نظریه ماهان پذیرفته

شده و تعیین‌کننده دستورهاها می‌باشد. هند در راهبرد کلان خود، چشم‌اندازی ماهانی را برای تعیین جایگاهش در اقیانوس هند، مدنظر قرار داده است (Scott, 2006: 97-129). البته برخی از نویسندگان از حدود پنج دهه پیش، این رویکرد را مورد اشاره قرار داده‌اند. برخی از آنها نیز به‌طور عمدی، رونوشتی از دیدگاه‌های ماهان را در کتاب خود آورده‌اند (Panikkar, 1945).

گروهی دیگر از نویسندگان نیز بر تجهیز دریایی هند به جنگ‌افزارهای قوی‌تر تأکید می‌نمایند تا هند از این طریق، نه تنها از مرزهای آبی خود، بلکه از آب‌های آزاد و اقیانوس هند محافظت نماید و در آنجا قدرت‌نمایی کند (Vaidya, 1949: 9-29). در واقع در هند، یک نظام فکری قاره‌ای (به مفهوم «گسترده» نه به معنای «بری») شکل گرفته است (Scott, Winter 2007-8: 4).

به سبک سنتی ماهان، رهنامه دریایی هند، نیاز به کنترل نقاط حساس، جزایر مهم و مسیرهای تجاری حیاتی را برجسته ساخته است. همچنین دیپلماسی دریایی، به وظایف اولیه نیروی دریایی هند در زمان صلح، اشاره دقیقی کرده است. چشم‌انداز نیروی دریایی هند برای ۲۵ سال اول قرن ۲۱ به لحاظ جغرافیایی، شامل یک هلال از خلیج فارس تا تنگه مالاکا می‌باشد که دولت دهلی‌نو باید بتواند در این جغرافیا، منافع خود را مورد پیگیری قرار دهد (Indian Navy, 2009: 56).

۲-۱-۳. اجرای نظریه توسعه مفهوم همسایگی

در قالب این نظریه، هند درصدد قدرت‌افکنی سخت (نظامی و اقتصادی) و نرم (فرهنگی و اندیشه‌ای) است. در واقع این نظریه، یک چتر مفهومی برای هند به‌منظور قدرت‌افکنی در شرق، جنوب، شمال و غرب و در واقع یک چشم‌انداز ۳۶۰ درجه‌ای برای استفاده از فرصت‌های در دسترس هند در خارج از آسیای جنوبی است.

این نظریه که در سال ۲۰۰۶ از سوی وزیر امور خارجه هند مطرح شد، از دیدگاه جهانگردیانه جواهر لعل نهرو و دیدگاه متمرکز بر آسیای جنوبی ایندرا گاندی، متمایز است. واجبایی از جمله افرادی بود که این نظریه را توسعه داد و پیش برد. به گمان او، تعاملات و نگرانی‌های هند، فراتر از آسیای جنوبی است. حوزه جغرافیایی این نظریه، شامل منطقه‌ای از کانال سوئز تا دریای چین جنوبی و نیز آسیای غربی و خلیج فارس، آسیای مرکزی، آسیای جنوب شرقی، آسیای شرقی و آسیای پاسفیک و منطقه اقیانوس هند است (Scot, April-June 2009: 107-108). جدول‌های زیر به درک بهتر دلایل پیگیری این نظریه از سوی هند کمک می‌نماید.

جدول ۲. تجارت هند با کشورهای آسیای غربی (به میلیون دلار آمریکا)

کشورها	سال	۲۰۰۳-۴	۲۰۰۴-۵	۲۰۰۵-۶	۲۰۰۶-۷	۲۰۰۷-۸	۲۰۰۳-۸ سهم به درصد
ج.ا.ایران		۱۱۸۴/۹۳	۱۶۴۹/۶۰	۱۸۹۰/۸۱	۹۰۷۱/۵۲	۱۲۸۶۳/۸۵	۰/۸۲-۳/۱۰
عراق		۷۵/۳۰	۱۳۲/۳۱	۱۵۷/۹۹	۵۷۲۵/۰۲	۷۱۰۰/۲۲	۰/۰۵-۱/۷۱
کویت		۴۶۱/۵۷	۷۲۷/۳۸	۹۷۵/۵۹	۶۶۰/۱۳	۸۳۷۱/۶۵	۰/۳۳-۲/۰۲
عربستان		۲۸۶۱/۰۷	۲۷۱۴/۳۱	۳۴۴۲/۱۱	۱۵۹۵۹/۵۹	۲۳۱۰۷/۶۱	۱/۳۱-۵/۵۸
بحرین		۱۸۶/۱۵	۲۷۸/۳۳	۳۸۱/۸۱	۶۵۴/۰۴	۱۰۸۰/۴۹	۰/۱۳-۰/۳۶
امارات		۷۱۸۵/۴۱	۱۱۹۸۸/۹۸	۱۲۹۴۵/۸۷	۲۰۶۷۳/۵۴	۲۹۰۹۷/۴۱	۵/۶۰-۷/۰۲
قطر		۳۱۵/۴۹	۸۸۲/۲۷	۱۱۶۰/۹۶	۲۳۹۷/۸۲	۲۹۹۴/۰۸	۰/۲۲-۰/۸۲
عمان		۳۰۹/۸۷	۲۸۸/۲۸	۶۷۴/۰۲	۱۰۸۹/۷۷	۲۰۷۰/۸۶	۰/۲۲-۰/۵۰
یمن		۲۴۷/۳۱	۲۷۷/۲۳	۲۸۸/۸۲	۳۱۹۴/۳۱	۲۴۸۶/۵۱	۰/۱۷-۰/۶۰
سومالی		۴۹/۷۹	۵۴/۵۸	۵۱/۲۱	۱۰۴/۱۲	۱۲۹/۱۷	۰/۰۴-۰/۰۳
جیبوتی		۷۴/۸۷	۱۳۱/۷۴	۲۳۳/۷۲	۳۰۹/۵۵	۴۶۲/۲۵	۰/۰۵-۰/۱۱
اریتره		۱۰/۹۷	۹/۴۳	۹/۱۷	۶/۹۸	۱۱۲/۱۰	۰/۰۱-۰/۰۳
مصر		۴۶۵/۶۹	۵۹۷/۳۸	۸۹۲/۸۷	۲۵۰۲/۰۶	۳۳۷۹/۰۰	۰/۳۳-۰/۸۲
رژیم صهیونیستی		۱۳۹۳/۸۳	۱۹۹۳/۸۷	۲۲۳۲/۶۹	۲۳۹۹/۲۴	۳۰۳۰/۱۸	۰/۹۸-۰/۸۳

Source: Scott, April-June 2009: 133

جدول ۳. تجارت هند با کشورهای آسیای مرکزی (به میلیون دلار آمریکا)

سال	۲۰۰۳-۴	۲۰۰۴-۵	۲۰۰۵-۶	۲۰۰۶-۷	۲۰۰۷-۸	۲۰۰۳-۸ سهام به درصد
قزاقستان	۸۴/۰۷	۹۶/۸۱	۱۱۷/۱۶	۱۷۱/۴۱	۱۸۷/۶۴	۰/۰۶-۰/۰۵
ازبکستان	۴۲/۸۴	۵۲/۸۱	۵۰/۵۷	۶۳/۵۱	۵۶/۳۷	۰/۰۳-۰/۰۱
ترکمنستان	۲۸/۵۵	۲۶/۱۲	۳۱/۱۸	۴۵/۸۶	۴۴/۶۴	۰/۰۲-۰/۰۱
تاجیکستان	۸/۴۲	۱۰/۶۸	۱۲/۱۳	۱۵/۵۰	۲۲/۱۰	۰/۰۱-۰/۰۱
قرقیزستان	۳۸/۷۴	۵۰/۱۹	۲۹/۵۷	۳۷/۹۸	۳۲/۴۷	۰/۰۳-۰/۰۱

Source: Scott, April-June 2009: 128

جدول ۴. تجارت هند با کشورهای آسه‌آن (به میلیون دلار آمریکا)

سال	۲۰۰۳-۴	۲۰۰۴-۵	۲۰۰۵-۶	۲۰۰۶-۷	۲۰۰۷-۸
واردات	۷ ۴۳۳/۱۱	۴ ۱۱۴/۶۶	۱۰ ۸۸۳/۶۸	۱۸ ۰۶۹/۶۴	۲۲ ۶۶۳/۴۸
صادرات	۵ ۸۲۱/۷۱	۸ ۴۳۵/۸۹	۱۰ ۴۱۱/۳۰	۱۲ ۶۰۳/۸۶	۱۶ ۳۷۶/۲۴
جمع	۱۳ ۲۰۴/۸۲	۱۷ ۵۴۰/۵۵	۲۱ ۲۹۴/۹۸	۳۰ ۶۷۳/۵۰	۳۹ ۰۳۹/۷۲

Source: Scott, April-June 2009: 120

جدول ۵. تجارت هند با کشورهای آسیای شرقی و استرالیا و نیوزیلند (به میلیون دلار آمریکا)

سال	۲۰۰۳-۴	۲۰۰۴-۵	۲۰۰۵-۶	۲۰۰۶-۷	۲۰۰۷-۸	۲۰۰۳-۸ سهام به درصد
چین	۷ ۰۰۸/۲۹	۱۲ ۷۱۲/۸۶	۲۵ ۷۳۴/۴۹	۱۷ ۶۲۷/۱۵	۳۷ ۱۳۲/۱۵	۹۴/۴-۹/۱۵
هنگ‌کنگ	۱ ۴۹۲/۶۸	۱ ۷۳۰/۱۳	۲ ۲۰۶/۹۸	۲ ۴۸۱/۹۱	۲ ۶۹۹/۱۸	۱/۹۱-۱/۰۷
ژاپن	۴ ۳۷۶/۹۶	۵ ۳۶۳/۰۴	۶ ۵۴۲/۳۶	۷ ۴۵۲/۴۸	۱۰ ۱۷۷/۰۲	۳/۰۸-۲/۴۶
کره جنوبی	۳ ۵۹۴/۰۳	۴ ۵۵۰/۴۵	۶ ۳۹۱/۰۶	۷ ۳۱۵/۰۲	۸ ۸۸۹/۴۲	۲/۵۳-۲/۱۵
تایوان	۱۴۱ ۹۹۱/۶۶	۱۹۵ ۰۵۳/۳۸	۲۵۲ ۲۵۶/۲۷	۳۱۱ ۸۶۶/۷۸	۴۱۴ ۳۴۳/۳۲	۰/۹۲-۱/۰۰
کره شمالی	۱۵۹/۸۳	۱۳۳/۲۴	۱۱۱/۱۱	۵۹۶/۷۰	۱ ۰۱۱/۵۹	۰/۱۱-۲/۴
استرالیا	۳ ۲۳۳/۵۱	۴ ۵۴۴/۷۷	۵ ۷۶۹/۱۴	۷ ۹۲۶/۵۹	۸ ۹۸۶/۱۸	۲/۲۸-۲/۷
نیوزیلند	۱۶۴/۸۶	۲۲۱/۱۸	۳۵۸/۵۳	۷۶۷/۵۵	۴۹۴/۵۹	۰/۱۲-۶/۲

Source: Scott, April-June 2009: 124

جدول ۶. سهم آسیای جنوبی از تجارت هند به درصد

کشور	سال	۲۰۰۳-۴	۲۰۰۴-۵	۲۰۰۵-۶	۲۰۰۶-۷	۲۰۰۷-۸
سريلانكا		۰/۰۷	۰/۹۲	۰/۰۳	۰/۸۷	۰/۸۳
بنگلادش		۱/۲۸	۰/۸۷	۰/۸۱	۰/۵۹	۰/۸۷
پاکستان		۰/۲۴	۰/۳۲	۰/۳۴	۰/۵۴	۰/۵۴
نیپال		۰/۶۷	۰/۵۸	۰/۳۹	۰/۴۰	۰/۵۱
افغانستان		۰/۱۳	۰/۱۱	۰/۰۸	۰/۰۷	۰/۰۷
یونان		۰/۱۰	۰/۰۸	۰/۰۷	۰/۰۶	۰/۰۷
مالدیو		۰	۰/۰۲	۰/۰۳	۰/۰۲	۰/۰۲
جمع		۳/۵۲	۲/۹۰	۳/۷۵	۲/۵۵	۲/۸۳

Source: Scott, April-June 2009: 110

جدول ۷. صادرات و واردات هند به تفکیک مناطق (بر حسب میلیون دلار آمریکا)

سهم (به درصد)	آوریل - ژوئن ۲۰۰۸	صادرات ←	واردات →	آوریل - ژوئن ۲۰۰۸	سهم (به درصد)
۲۳/۸۰	۱۱ ۴۴۶/۶۲	اروپا ۱		۱۵ ۱۸۷/۱۹	۱۹/۵۶
۲۲/۰۵	۱۰ ۶۰۶/۹۲	اتحادیه اروپا ۱-۱		۱۰ ۳۸۴/۱۴	۱۳/۳۷
۶/۷۷	۳ ۲۵۴/۹۱	افریقا ۲		۴ ۶۳۰/۷۹	۵/۹۶
۱/۹۹	۹۱۹/۱۹	افریقای جنوبی ۲-۱		۱ ۳۵۹/۳۱	۱/۷۵
۱/۵۰	۷۲۲/۳۸	افریقای غربی ۲-۲		۳ ۰۹۹/۲۷	۳/۹۹
۰/۱۷	۷۹/۸۴	افریقای مرکز ۲-۳		۱۱۶/۱۳	۰/۱۵
۳/۱۹	۱ ۵۳۳/۴۹	افریقای شرقی ۲-۴		۵۶/۰۸	۰/۰۷
۱۱/۱۳	۵ ۳۵۱/۹۵	امریکای شمالی ۳		۴ ۳۶۸/۱۵	۵/۶۳
۳/۲۲	۱ ۵۴۷/۱۰	امریکای لاتین ۴		۳ ۰۸۵/۳۴	۳/۹۷
۵۳/۵۲	۲۵ ۷۴۲/۰۶	اسیا و آفریقای شمالی ۵		۴۸ ۵۰۴/۷۵	۶۲/۴۷
۰/۸۵	۴۰۸/۹۰	استرالیا پاسفیک ۵-۱		۲ ۳۱۶/۸۰	۲/۹۸
۱۲/۴۳	۵ ۹۸۰/۷۲	اسمان ۵-۲		۶ ۸۶۳/۵۲	۸/۸۴
۲۰/۴۶	۹ ۸۳۹/۹۷	اسیای غربی و آفریقای شمالی ۵-۳		۲۴ ۶۱۴/۵۸	۳۱/۷۰
۱۴/۴۵	۶/۹۴۹/۵۳	اسیای شمال شرقی ۵-۴		۱۴/۲۱۴/۳۶	۱۸/۳۱
۵/۳۳	۲/۵۶۲/۹۳	اسیای جنوبی ۵-۵		۴۹۵/۵۰	۰/۶۴
۱/۰۷	۵۱۴/۳۷	کشورهای مشترک المنافع و بالتیک ۶		۱/۴۲۴/۲۶	۱/۸۳
۰/۱۳	۶۱/۶۹	اسیای مرکزی ۶-۱		۵۳/۴۰	۰/۰۷
۰/۹۴	۴۵۲/۶۸	دیگران ۶-۲		۱/۳۷۰/۸۶	۱/۷۷
۰/۵۰	۲۴۱/۴۳	سایر مناطق (شامل روسیه) ۷		۴۳۸/۸۹	۰/۵۷
۱۰۰/۰۰	۴۸/۰۹۸/۴۳	جمع		۷۷/۶۳۹/۳۹	۱۰۰/۰۰

Source: Scott, April-June 2009: 109

۳-۱-۳. دستورکار دفاعی جدید هند

یکی از دلایل گرایش و تأکید دولت دهلی‌نو به افزایش توان قدرت‌افکنی خود، دستورکار دفاعی جدید این کشور است. رقبای هند (پاکستان و چین) با دقت و حساسیت، این دستورکارها را پیگیری می‌نمایند. مؤلفه‌های این دستورکار را می‌توان به شرح زیر دسته‌بندی کرد:

(۱) هند در نظر دارد وضعیت و جایگاه نظامی خود را از «قدرت منطقه‌ای» به «قدرت جهانی» تغییر دهد. در قرن ۲۱، منافع هند گسترش یافته است. از این‌رو، دولت دهلی‌نو در صدد حمایت از برتری راهبردی خود در آسیای جنوبی و اقیانوس هند است. همچنین هند فعالانه در تلاش است قدرت خود را در آسیا - پاسفیک اعمال نماید و در آن منطقه نیز به یک قدرت برتر تبدیل شود. در مجموع هند می‌کوشد به یک بازیگر ژئواستراتژیک عمده و سازنده در شطرنج سیاسی آسیا تبدیل گردد. به این منظور، هند باید به یک توازن قوای راهبردی با قدرت‌هایی مانند آمریکا و چین دست یابد و فعالیت‌هایی را در فراسوی آسیای جنوبی و اقیانوس هند انجام دهد.

(۲) دهلی‌نو، رویکرد راهبردی خود را از «دفاع غیرفعال» به «دفاع تهاجمی و فعال» تغییر داده است.

(۳) هند تهدیدهای امنیتی خود را مشخص ساخته است. به باور راهبردپردازان هندی، در قرن ۲۱، تهدیدهای امنیتی این کشور یکی از حالات زیر خواهد بود: یک. مناقشه کم‌شدت با پاکستان بر سر کشمیر (با احتمال گسترش یافتن این مناقشه)؛ دو. خطر مواجهه هسته‌ای با چین؛ سه. تروریسم در آسیای جنوبی.

(۴) هند تهدیدهای چین و پاکستان را اولویت بندی کرده است. در گذشته، هندی‌ها برای چین و پاکستان به‌عنوان دو کانون اصلی و عمده تهدید، ارزش برابری قائل بودند، ولی با ارزیابی جدید، به این نتیجه رسیده‌اند که وضعیت داخلی پاکستان بی‌ثبات شده، توسعه اقتصادی این کشور بسیار کند گشته، توسعه نیروی نظامی این کشور، محدود شده است و توان ملی و توانمندی‌های نظامی، روند رو به پائینی دارند. پس این شاخص‌ها بیانگر آن است که تهدید پاکستان علیه هند، بسیار تضعیف شده است.

در مقابل، وضعیت سیاسی چین باثبات است. رشد اقتصادی سریعی دارد، نوسازی نظامی را همپای رشد توان ملی به پیش می‌برد. پس به گمان هندی‌ها، ظرفیت تهدید چین در حال افزایش است. با توجه به این تحلیل‌ها، هند خود را برای مواجهه با چندین مناقشه نظامی آماده ساخته است. از این‌رو، رهنامه «دو جبهه جنگ متحرک» را مطرح کرده است.

(۵) دولت دهلی‌نو، راهبرد باثبات‌سازی جبهه غربی و تقویت جبهه شمالی و تأکید برابر بر جنگ دریایی و زمینی در مقایسه با تأکید صرف بر جنگ زمینی در گذشته را برگزیده است. در واقع، هندی‌ها سه بحث را مطرح کرده‌اند: یک. در سال‌های اخیر، هندی‌ها نظام دفاعی خود را با نیازهای جدید، تعدیل و تنظیم نموده‌اند. باثبات‌سازی جبهه غربی و تقویت جبهه شمالی یک گام در این مسیر است. هند در گذشته، برنامه‌ریزی کرده بود که نیروهای اضافه (دو لشکر کوهستانی) را به مرز هند و چین اعزام داشته و جنگنده‌های سوخوی ۳۰ را در کنار توان موشکی خود به‌منظور تقویت برتری نظامی «بخشی» خود در برابر چین به کار گیرد. به باور آنها، این برنامه برای یک جنگ کوتاه یا میان‌مدت در شرایط فناوری سطح بالا، در بخشی از مرزها بود.

1. Two Front Mobile Warfare

دو. هند سربازانی را با قابلیت جنگیدن در نبردهای متحرک تربیت کرده است و می‌تواند آنها را به کار گیرد. از این رو، بعضی واحدهای ارتش هند، قادرند مأموریت‌های چندگانه‌ای را در چین و پاکستان انجام دهند.

سه. در گذشته، هند تنها به جنگ زمینی توجه داشت، در حالی که اکنون این توجه به مسیر اقیانوس هند تغییر یافته است. پس در شرایط کنونی، هند می‌تواند نیروهای خود را هم در دریا و هم در خشکی به کار گیرد. بخشی از سربازان هندی در پشت مرزها با هدف دفاع از سواحل، مستقر شده‌اند و ناوگان جدید دریایی هم در جنوب مستقر شده است که وظیفه آن، افزایش توان در اقیانوس هند است. هند در تلاش است تا به یک توان عملیاتی با تحرک بالایی بلندمدت و نیز ظرفیت اداره چند جنگ برسد (Jain, 7 Jun 2010).

۳-۲. واقعیت‌ها

۳-۲-۱. عامل چین در قدرت افکنی هند

تعامل هند و چین بسیار پیچیده است. از یکسو همکاری اقتصادی و پیوندهای سیاسی دو کشور به سود طرفین است. آمارها نشان می‌دهد تجارت دوجانبه دو کشور، سالانه حدود ۲۵ میلیارد دلار است و دو طرف متعهد شده‌اند که این رقم تا سال ۲۰۱۰ به دو برابر افزایش یابد. چین به تازگی جایگزین آمریکا شده و به بزرگ‌ترین شریک تجاری هند تبدیل شده است، در حالی که هند نهمین بازار بزرگ چین است. در عرصه سیاسی، دو کشور روابط خود را از سال ۲۰۰۳ عادی ساخته‌اند. دو کشور از سال ۲۰۰۵ وارد «مشارکت همکاری جویانه و راهبردی برای صلح و رفاه» شده‌اند. هر دو کشور خواهان یک نظام بین‌الملل با ساختاری چندقطبی توأم با ایفای نقشی مهم از سوی خود هستند. همچنین دهلی نو و پکن در سال ۲۰۰۶ موافقت‌نامه‌ای را برای همکاری نظامی

امضا کردند که به موجب آن، دو کشور تمرین نظامی مشترک برگزار نمایند و مبادلات سطح بالای نظامی داشته باشند (Ladwig, 2009 A: 88-89).

از سوی دیگر این دو کشور دارای اختلافاتی نیز هستند. جنگ ۱۹۶۳ باعث اختلافات مرزی بین آنها شده است. همچنین چین تأمین کننده تسلیحات و فناوری‌های سطح بالای پاکستان به‌عنوان رقیب هند است. پکن در جولای ۲۰۰۱، روابط اقتصادی خود را با امضای موافقت‌نامه تجارت آزاد تعمیق بخشید. از جمله حوزه‌ها و موضوعات درگیری دو کشور، انرژی است، برای مثال دو کشور بر سر نفت قزاقستان، اکوادور و نیجریه با هم رقابت شدیدی دارند.

نفت شرق آفریقا و خلیج فارس، اغلب از مسیر اقیانوس هند به بازارهای چین می‌رسد. این واقعیت باعث شده است که پکن برای ایجاد شبکه‌ای از بنادر و شرکا - که بعضی از آنها با هند دشمن هستند - برای تأمین امنیت عرضه انرژی، کمک نماید.

در کنار این مسائل، برنامه‌های قدرت‌افکنی چین نیز برای هند حائز اهمیت فراوان است. چین در غرب هند، برای ایجاد یک بندر مهم برای پاکستان در گوادر^۱ سرمایه‌گذاری نموده است. به عقیده برخی، این سرمایه‌گذاری برای دستیابی به موقعیت راهبردی در دریای عربی، و نزدیکی به دهانه خلیج فارس است. در شرق هند، ارتش چین با همکاری برمه، چندین تأسیسات دریایی در خلیج بنگال در جزایر Haingyi و Kyaukpyu ایجاد کرده است. در جنوب هند، نیز به تازگی، چین توافقنامه‌ای را برای توسعه یک بندر در سریلانکا در Hambantota در سواحل جنوبی این جزیره امضا کرده است. به نظر می‌رسد حمایت چین از پاکستان در اقداماتی مانند حمله اسلام‌آباد به اقیانوس هند، بخشی از راهبرد منسجمی برای درگیری هند و جلوگیری از نفوذ این کشور در آسیای جنوبی است.

با وجود تأکید مقام‌های چینی مبنی بر پیگیری سیاست «صعود صلح‌آمیز»، ولی بین سیاست‌سازان هندی این دیدگاه مشترک است که چین، تهدیدی نظامی - اقتصادی برای

1. Gwadar

هند است. البته می‌توان دسته‌بندی دقیق‌تری از دیدگاه هندی‌ها در برابر چین ارائه کرد. عمل‌گرایانی مانند موهان مالیک^۱ معتقدند که می‌تواند بین دو کشور به‌هم پیوستگی اقتصادی و همکاری هوشیارانه اتفاق بیفتد.

واقع‌گرایان می‌گویند که چین یک تهدید فوری است. به گمان آنها، همکاری و پیوستگی اقتصادی دو کشور نمی‌تواند مانع حمایت چین از پاکستان و یا محدود شدن تلاش پکن برای دربرگیری دهلی‌نو شود. آنها از یک راهبرد تهاجمی به‌منظور ائتلاف‌سازی با دیگر دولت‌های آسیایی برای محدود ساختن توانایی‌های چین برای سلطه بر منطقه حمایت می‌نمایند.

گروه دیگری نیز بر این باورند که چین یک دولت صلح‌طلب است و تهدیدی برای هند به‌شمار نمی‌آید.

در دولت هند، هر سه دیدگاه طرفدارانی دارد؛ وزرای اقتصادی و بازرگانی، حامی رویکرد عمل‌گرایان هستند، وزرای دفاع و کشور، از دیدگاه واقع‌گرایان حمایت می‌کنند و احزاب چپ با دیدگاه سوم، همراهی می‌نمایند.

دیدگاه مردم هند نیز براساس نظرسنجی انجام شده از سوی مؤسسه Pow در سال ۲۰۰۸ این است که رشد اقتصادی و نظامی چین، برای هند، پیامدهای منفی دارد (Ladwing, 2009: 90).

۲-۲-۳. انرژی

به گمان هندی‌ها، آسیای جنوبی به‌مثابه همسایه نزدیک هند، فضای اقتصادی محدودی برای دهلی‌نو می‌باشد. آمارها نشان می‌دهد که این منطقه سهم اندکی در تجارت هند دارد، در مقابل، مناطق مورد نظر هند براساس نظریه «همسایگی توسعه‌یافته» سهم بالاتر و بیشتری در تجارت هند ایفا می‌نمایند.

1. Mohan Malik

در حوزه اقتصاد، مقوله انرژی نیز بسیار حائز اهمیت است. افزایش تقاضای مصرف، صنعتی شدن و مزیت‌های فناورانه سطح بالا، در افزایش تقاضا برای انرژی نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. هند در سال ۲۰۰۰، «چشم‌انداز هیدروکربن ۲۰۲۵» را منتشر کرد. از جمله نکاتی که در این سند مطرح شده، این است که خودبستگی هند در عرصه نفت از ۶۵ درصد در سال ۹۰-۱۹۸۹ به ۳۰ درصد در ۲۰۰۱-۲۰۰۰ کاهش یافته و با توجه به روندهای موجود در زمینه افزایش تقاضا، این رقم در سال ۲۰۲۴-۲۵ به کمتر از ۱۵ درصد کاهش خواهد یافت (Scott, April-June 2009: 110).

۴. ابزارهای قدرت افکنی هند

ابزارهای قدرت افکنی سخت افزاری هند نیز مانند سایر کشورها، نیروی هوایی و دریایی می‌باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که منزلت و جایگاه این دو نیرو بین هندی‌ها متفاوت است. به عبارت روشن‌تر، در هند، نیروی دریایی دارای ارزش راهبردی است و تأکید اصلی دولت دهلی نو بر ارتقای سطح کیفی و کمی توانمندی‌های این نیرو می‌باشد. یکی از دلایل اصلی این توجه ویژه به نیروی دریایی، موقعیت دریایی هند است.

کشور هند دارای ۸۰۰۰ کیلومتر ساحل و ۳۰۰ جزیره و حدود ۲ میلیون کیلومتر مربع منطقه اقتصادی انحصاری است. این کشور خطوط ارتباطی دریایی مهمی دارد که ۹۷ درصد تجارت خارجی‌اش از راه این خطوط انجام می‌شود.

سواحل غربی هند، شامل میدان‌های نفتی عمده‌ای است که دوسوم تولید نفت داخلی این کشور از این مناطق تأمین می‌شود. جزایر هند، دارای اهمیت راهبردی و اقتصادی است و موقعیت آن در نزدیکی خطوط دریایی عمده و حیاتی هند است.

هند در کنار اقیانوس هند واقع شده است که یک پنجم آب جهان را در خود دارد و ۶۵ درصد عرضه نفت جهان از این اقیانوس انجام می‌شود.

هندوستان



نقشه ۲. موقعیت جغرافیایی هند

با توجه به این موقعیت دریایی، هند برای ایجاد یک بازدارندگی ترغیبی نسبت به مداخله ابرقدرت‌ها در اقیانوس هند، در اندیشه تقویت قدرت دریایی خود و در پی آن، تقویت قدرت افکنی دریایی خود است (Carter, 1 April 1096: 4-5).

1. Persuasive Deterrent

مطالب گفته شده، به خوبی تبیین کننده دلایل حمایت ویژه دولت هند از نیروی دریایی می باشد. در ادامه ابتدا نیروی هوایی هند و سپس نیروی دریایی این کشور مورد بررسی قرار می گیرد.

۱-۴. نیروی هوایی

با اثبات کارآمدی نیروی هوای در جنگ‌ها و نقش آفرینی آن در ایجاد یک جنگ ناهمگون و فلج‌سازی راهبردی، نیروی هوایی هند نیز به بازنگری و تعریف مجدد ساختار و وظایفش نیازمند است. از این رو یک تغییر بنیادین در نظام فکری نیروی هوایی هند در حال وقوع است. همچنین یک نگرش جدید در ساختار نیروی آن در حال شکل‌گیری است تا این نیرو بتواند جنگ‌های موازی و عملیات‌های نفوذ در سطوح راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی را اداره نماید؛ چرا که ساختار نیروی هوایی هند، توانمندی‌هایی محدود برای مداخله‌های راهبردی دارد. تنها جنگنده‌های سوخوی ۳۰ و میراژ ۲۰۰۰ و IL-76/78 می‌توانند چنین مداخله‌هایی را انجام دهند. در واقع باید در هند یک تفکر راهبردی نوینی در مورد نیروی هوایی شکل بگیرد.

پیگیری شکل‌گیری یک نیروی هوایی راهبردی نیازمند یک اراده سیاسی قدرتمند، شفافیت در نیت، توانایی در جذب حمایت عمومی داخلی و توانایی برای هضم انتقادهای بین‌المللی است. در حالی که این مؤلفه‌ها در شرایط کنونی هند دیده نمی‌شود. برخلاف آمریکا - که بیشتر سیاستمداران آن دارای پیشینه نظامی هستند - هند چنین مدیرانی ندارد، بنابراین نیروی هوایی هند باید رهبرانی سیاسی را در مورد توانمندی‌های راهبردی نیروی هوایی آموزش دهد (Subramanian, Fall 2008).

نیروی هوایی هند باید با جنگنده‌های بیشتر، آواکس و تانکرهای سوخت‌رسانی هوایی، موشک‌های کروز، هواپیماهای بدون سرنشین تجهیز شود. پس هند باید در اندیشه ایجاد یک صنعت هوافضای قدرتمند باشد. در مجموع، یک بازوی هوایی با

فناوری سطح بالا برای هندی که قصد مواجهه با تهدیدهای آینده را دارد، اجتناب‌ناپذیر است (Phadke, Jan 2001: 1795-1812).

در این راستا هند چهار سوخوی ۳۰ ام.کا.آی را در پایگاه هوایی تزپور^۱ در ژوئن ۲۰۰۹ به کار گرفته است. آنها در نظر دارند که دو اسکادران کامل از این جنگنده را نیز به خدمت بگیرند. این اقدام به واسطه نگرانی دهلی نو از توانمندی‌های نظامی چین و نیز پیشگیری از تجاوز چین به خاک هند است (Gogbole, 2009/6/30). از دیگر برنامه‌های هند، افزودن میگ ۲۹ به ناوگان هوایی نظامی است که باعث تقویت توان قدرت افکنی این کشور شده و آن را به قوی‌ترین نیروی هوایی منطقه تبدیل می‌کند (Ladwing, 2009: 92).

جدول ۸. تعداد هواپیماهای نیروی هوایی هند

تعداد (فروند)	هواپیماها
۲۰	هواپیمای گشت‌زنی دریایی
۵۴۷	هواپیمای حمله‌کننده به هدف‌های زمینی
۹۶	جنگنده
۴	هواپیمای دارای تسلیحات ضد زیردریایی
۲۷۱	هواپیمای آموزشی
۳	هواپیمای شناسایی
۲۰۳	هواپیمای ترابری

Source: Cordesman, 14 Sep 2010: 105.

فرماندهی نیروهای راهبردی هند قصد دارد ۴۰ فروند جنگنده با قابلیت حمل سلاح‌های اتمی را خریداری کند و بر این اساس، سازماندهی دو گردان هوایی ویژه را به وزارت دفاع این کشور پیشنهاد داده است. در حال حاضر، آتشبار هسته‌ای هندوستان، موشک‌های بالستیک آگنی و پرتوی، و هواپیماهای دارای قابلیت هسته‌ای میراژ ۲۰۰۰، سوخو ۳۰، و جگوار را شامل می‌شود.

1. Tezpur

هند در کنار موشک پرتوی ۱، ۲ و ۳، موشک‌های «آگنی ۱» (با بُرد ۷۰۰ تا ۸۰۰ کیلومتر) و «آگنی ۲» (با دو هزار کیلومتر بُرد) دارد. موشک بالستیک آگنی ۳، راهبرد دفاع هسته‌ای هند را در موقعیت جدیدی قرار می‌دهد. این موشک‌های هند که دارای بُردی معادل ۳۵۰۰ کیلومتر هستند، می‌توانند به قسمت‌های وسیعی از شمال چین برسند، که این موضوع، توانایی بازدارندگی هند را قوی‌تر می‌کند.

گفتنی است هند برای قدرت‌افکنی بهتر، پایگاهی هوایی در تاجیکستان ایجاد کرده است. فارخور^۱ نام این پایگاه هندی است که در ۳۰ کیلومتری تاجیکستان و ۱۳۰ کیلومتری جنوب شرق دوشنبه (پایتخت تاجیکستان) واقع می‌باشد. این پایگاه دارای موقعیت ویژه و تنها دو کیلومتر با مرز تاجیکستان - افغانستان فاصله دارد. این تنها پایگاه نظامی هند در خارج از این کشور است. این پایگاه به موجب قراردادی که در سال ۲۰۰۴ به امضا رسیده ایجاد شد. در این پایگاه ۱۲ تا ۱۴ میگ ۲۹ مستقر هستند. انگیزه اصلی هند در ایجاد این پایگاه، دسترسی به انرژی آسیای مرکزی به‌عنوان منافع حیاتی است (Dsouza, 1 Jan 2008).

هند به‌منظور تکمیل کردن حلقه‌های قدرت‌افکنی خود، در صدد پیگیری راهبردی برای استفاده از فضا است. دولت دهلی نو به‌عنوان ششمین قدرت فناوری فضایی دنیا، هر ساله چهار پرتاب انجام می‌دهد، اما قصد دارد در پاسخ به تقاضای جهانی، این تعداد پرتاب را به هشت مورد افزایش دهد. یکی از دلایل هند برای اجرای برنامه فضایی نظامی، حفاظت از ماهواره‌های خود در برابر تهدید چین در از بین بردن آنهاست. همچنین پاسخگویی سریع به تهدیدها و مراقبت دائمی تحرکات رقبای دیگر انگیزه‌های هند است (Rabinowitz, 2008/6/17). با این توانمندی‌ها، قابلیت فرماندهی، کنترل و ارتباطات نیروهای نظامی هند افزایش می‌یابد (Elkin and Fredericks, May-June 1983).

۲-۴. نیروی دریایی هند

نیروی دریایی هند، متشکل از دو ناوگان دریایی شرقی و غربی است. پایگاه اصلی ناوگان شرقی در ویساخاپاتنام^۱ در خلیج بنگال است. پایگاه اصلی ناوگان غربی در بوم‌بای^۲ در دریای عربی است. پایگاه شرقی، قدیمی‌تر است و وسایل آن اغلب بلوک شرقی سابق است. در حالی که پایگاه غربی، جدیدتر است و با کشتی و تجهیزات غربی تجهیز شده است. به لحاظ منطقه‌ای نیز نیروی دریایی هند، دارای سه فرماندهی شرقی، جنوبی و غربی است که فرماندهی شرقی در ویساخاپاتنام، فرماندهی جنوبی در کوچین^۳ در سواحل جنوب شرقی و فرماندهی غربی در بوم‌بای می‌باشد (Carter, 1 April 1996: 7).

جدول ۹. تعداد کشتی‌های جنگی نیروی دریایی هند

تعداد	کشتی‌های جنگی
۱۷	زیردریایی تاکتیکی
۲۸	کشتی گشت دریایی
۱۲	فریگیت
۸	ناوشکن
۲۴	رزم‌ناو
۱	ناو هواپیمابر

Source: Cordesman, 14 Sep 2010: 100

همچنین براساس برنامه‌ریزی‌های انجام شده هند تا سال ۲۰۱۴ (یا به گفته برخی، در سال ۲۰۲۰) سه ناو هواپیمابر را خواهد ساخت (India Power Projection, 8 Mar 2009)، که باعث تحکیم حضور هند در اقیانوس هند، دریای عربی و خلیج بنگال می‌شود. البته هند برنامه‌هایی را برای ساخت زیردریایی با فناوری روسی و فرانسوی (اسکورپین) با موشک‌های ضدکشتی دارد. همچنین این کشور ۳۳ کشتی را تا ۲۰۱۲ به ناوگان خود

1. Visakhapatnam
2. Bombay
3. Cochin

خواهد افزود، به علاوه، سه ناوشکن و هشت فریگیت جدید نیز در دست ساخت دارد (Ladwing, 2009: 93).

در حمایت از این برنامه‌ها، بودجه دفاعی هند از ۱۱/۲ درصد تولید ناخالص داخلی در ۹۳-۱۹۹۲ به ۱۸/۳ درصد در ۲۰۰۸-۲۰۰۷ افزایش یافته است. همچنین مجموع بودجه نیروی دریایی هند از بودجه دفاعی این کشور، از ۷/۵ میلیارد دلار در سال‌های ۲۰۰۱-۱۹۹۷ به ۱۸/۳ میلیارد دلار در سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۲ افزایش یافته است. در سال ۲۰۰۷-۸ بودجه دفاعی هند، سهم نیروی دریایی را به ۱۸/۲۶ درصد افزایش داده است (Scott, Winter 2007-8: 14).

۱-۲-۴. برنامه‌ها و اقدامات قدرت افکنانه نیروی دریایی هند

مقامات هندی با گسترش و افزایش قدرت خود معتقدند منافع این کشور نیز افزایش یافته و از این رو خواهان ایفای نقش مهم‌تر و بیشتر هستند. به گمان آنها منافع راهبردی هند، فراتر از آسیای جنوبی شده است. در واقع به این دلیل است که وزارت دفاع هند خواهان تحکیم پیوندهای دفاعی با کشورهای آسیای جنوب شرقی و آسیای شمال شرقی، آسیای مرکزی، خلیج فارس و خاورمیانه هستند. نیروی دریایی هند نقش مهمی را در این روند ایفا می‌نماید. در واقع نیروی دریایی هند یک مؤلفه کلیدی برای ابتکارات سیاست خارجی هند است و زمان و سرعت فعالیت‌های عملیاتی را به شدت افزایش می‌دهد. از سال ۲۰۰۵ نیروی دریایی هند جای پای خود را در نواحی و حوزه‌های راهبردی دریایی در منطقه اقیانوس هند و فراسوی آن تحکیم کرده است. در این سال، نیروی دریایی هند از ۴۵ بندر در ۳۰ کشور در اروپا، خلیج فارس، دریای سرخ، اقیانوس هند و دریای چین جنوبی بازدید کرد (Scott, April-June 2009: 113).

اعزام نیروی دریایی هند برای مقابله با دزدان دریایی سومالی، گام مهمی در راستای قدرت‌افکنی هند در فراسوی مرزهای این کشور شناخته می‌شود و ترجمانی از رشد

اقتصادی و نظامی هند می‌باشد. نیروی دریایی بهترین ابزار این قدرت‌افکنی است که پیامی در سطح جهانی ارسال خواهد کرد. این اقدام هند برای ایفای نقش در امنیت خلیج عدن به معنای کنترل دسترسی به کانال سوئز به‌عنوان مسیر حیاتی تأمین انرژی است. این وضعیت، انعکاسی از ظرفیت نظامی فرامرزی هند و توانایی‌اش برای حفظ حضور دریایی برای مقابله با هر چالش دریایی کم‌شدتی است که احتمال بروز دارد. این دومین باری است که نیروی دریایی هند به‌عنوان چهارمین نیروی دریایی جهان، نقش مهمی را در منطقه ایفا می‌کند. اولین بار در سال ۱۹۹۲ و در جریان جنگ داخلی سومالی، هند نیروی دریایی خود را به این منطقه اعزام کرد. بنابراین ما شاهد تغییر در حیطه قدرت‌افکنی نیروی دریایی هند از یک عرصه منطقه‌ای به یک سطح فرامنطقه‌ای و بین‌المللی هستیم (Sharma, 21 Nov 2008).

در راستای افزایش توان قدرت‌افکنی، نیروی دریایی هند، واحدهای دریایی قدرتمند خود را برای تمرین با نیروی دریایی قدرت‌های فرامنطقه‌ای در خلیج بنگال، دریای عربی، خلیج عدن و دماغه امیدنیک فرستاده است. این تمرین‌ها در خلال دهه اخیر به‌میزان قابل توجهی رسیده است. این تمرین‌ها با فرانسه از سال ۲۰۰۱، با روسیه از سال ۲۰۰۳، با بریتانیا از سال ۲۰۰۴، با برزیل و آفریقای جنوبی از سال ۲۰۰۸ آغاز شده است. البته هند در سال‌های ۲۰۰۲ و ۱۹۹۸ و ۱۹۹۲ با آمریکا نیز تمرین نظامی برگزار کرده است. هند از سال ۱۹۹۵ با سریلانکا، تایلند، سنگاپور و اندونزی نیز تمرین نظامی داشته است. تعداد کشورهای شرکت‌کننده در این تمرین نظامی، از ۵ کشور در سال ۱۹۹۵ به ۷ کشور در ۱۹۹۷، ۸ کشور در ۲۰۰۳، ۹ کشور در ۲۰۰۵ و ۱۳ کشور در ۲۰۰۸ افزایش یافته است (Scott, April-June 2009: 115). هند در فوریه ۲۰۰۷ تمرین نظامی Tropex^۱ را برگزار کرد که در آن ناو هواپیمابر، فریگیت، ناوشکن و کشتی‌های جنگی حضور داشتند (Scott, Winter 2007-8: 18). این رزمایش‌ها و تمرین‌های نظامی، علامت روشنی مبنی بر برخورداری هند از توانمندی‌های لازم برای قدرت‌افکنی در اقیانوس هند است.

1. Theater – Level Readiness Operational Exercises

۵. قدرت افکنی سخت‌افزارانه و نرم‌افزارانه هندی‌ها

واقع‌مطلب آن است که در بین نخبگان فکری و اجرایی هند در مورد قدرت‌افکنی، اتفاق‌نظری وجود ندارد. برخی از سیاستمداران، اعتقادی به این مطلب ندارند. به‌گمان آنها، قدرت‌افکنی معادل سیطره‌طلبی است و تجاوزگری را به اذهان متبادر می‌سازد. این در حالی است که این دو مفهوم (سیطره‌طلبی و تجاوزگری) با روح هندی در تناقض است. در این دیدگاه، چون هند یک قدرت خواهان حفظ وضع موجود بدون ادعاهای سرزمینی تجدیدنظرطلبانه است، پس نیاز کمی به توسعه ظرفیت برای قدرت‌افکنی نظامی در فراسوی مرزهایش دارد. برخی دیگر از منتقدان نیز می‌گویند که هند هرگز در امور داخلی همسایگان خود دخالت نکرده است و بعضی دیگر معتقدند که هند خود را به قدرت‌افکنی متعهد نخواهد کرد.

در مقابل برخی از مقامات رسمی این مفهوم را رد نکرده‌اند، ولی معتقدند که هند در صدد قدرت‌افکنی نرم برای کسب نفوذ، بدون کاربرد قدرت نظامی است. به‌گمان آنها هند خواهان تبدیل شدن به ابرقدرت قدرت نرم در عرصه فرهنگ، مذاهب و روحیه سیاسی است. در مجموع، هر چند در میان مدت، محدودیت‌هایی در اراده سیاسی و از آن مهم‌تر، ظرفیت نظامی محدود و مشکلات مالی (Ladwig, 2009 B)، مانع از رسیدن هند به هدف‌های بلندپروازانه‌اش می‌باشد، اما تقویت و ارتقای توانمندی‌های قدرت‌افکنی مورد نظر تحلیلگران نظامی و اعضای جامعه راهبردی این کشور است. به‌نظر آنها این رویکرد در واقع، پاسخی به تحول محیط ژئواستراتژیکی هند است (Ladwig, Feb 2010: 3).

۱-۵. قدرت‌افکنی سخت‌افزارانه هند

پیش‌تر بیان گردید که هند توانمندی‌های نظامی خود را ارتقا داده است. جلوه بارز و نمود عینی این توانمندی در راستای قدرت‌افکنی را می‌توان در قالب موارد زیر بررسی کرد:

۱-۱-۵. هشدار دادن: منظور، به‌کارگیری نمادین نیروهای نظامی در یک منطقه در راستای نمایش وجود «میل» و «اراده» سیاسی مبنی بر اینکه در گام بعدی، اقدام نظامی قوی‌تری انجام خواهد شد. هند در عملیات پومالی^۱، چتربازهای خود را برای کمک در جریان محاصره جافنا^۲ در جون ۱۹۸۷ اعزام کرد که پیام روشنی به حکومت سریلانکا در مورد تمایل دهلی‌نو برای آغاز مذاکرات در مورد پایان مناقشه بود که این اقدام به انعقاد پیمان بین هند و سریلانکا کمک کرد. به‌تازگی نیز نیروی دریایی هند، در چندین مورد در دریای چین جنوبی و خلیج فارس به‌کار گرفته شده که نشانه مهمی از علاقه هند به این مناطق است.

۲-۱-۵. تحمیل / بازدارندگی: مقصود، استفاده از تهدید به‌کارگیری نیروی نظامی علیه دولت دیگر برای وادار کردن یا منصرف ساختن از تعقیب سیاست مورد نظر اوست. در چنین شرایطی، اقدام‌های قدرت‌افکنانه به‌عنوان یک ابزار دیپلماتیک، تلاش برای تأثیرگذاری بر فرایند تصمیم‌سازی بازیگران خارجی به‌شمار می‌رود. عملیات پومالی را می‌توان نمونه‌ای از یک اجبار ضعیف دولت هند دانست که دولت دهلی به‌وسیله آن، علامتی به سریلانکا فرستاد که اگر مذاکرات صلح به‌خوبی پیش نرود، حمایت از نیروهای تامیل، به‌عنوان یک گزینه، روی میز تصمیم‌سازان هندی قرار دارد. بسیج نیروهای نظامی هند در سال ۲۰۰۱-۲۰۰۲ در عملیات پاراکرام^۳ نوعی دیپلماسی اجبارآمیز توصیف می‌شود که در صدد اعمال فشار بر حکومت پاکستان برای جلوگیری از اقدامات جیش محمد و لشکر طیبه بود.

۳-۱-۵. مجازات یا تنبیه: منظور، استفاده تنبیهی از زور علیه دولت دیگر در پاسخ به پیگیری سیاست‌های مورد نظرش است. گاهی اوقات هند از ضربات

1. Poomali
2. Jaffna
3. Parakram

محدود تنبیهی به عنوان راهکاری علیه پاکستان در خط مرزی کشمیر در پاسخ به تحرکات نظامیان پاکستان استفاده می‌کند. این استفاده از زور، از کاربرد گسترده زور و راهبردهای تنبیهی جلوگیری می‌کند.

۴-۱-۵. **مداخله:** منظور، حرکت نیروهای نظامی به سوی سرزمین دولت دیگر با هدف تأثیرگذاری بر امور داخلی کشور هدف می‌باشد. هندی‌ها از این راهکار برای مداخله استفاده نموده‌اند. هند در سال ۱۹۸۸ گروهی از چتربازها را در عملیات کاکتوس به مالدیو برای فرونشاندن کودتا علیه حکومت مائومون عبدالقیوم^۱ استفاده کرد. همچنین در سال ۱۹۷۱، هند سه لشکر خود را برای کمک به موکتی باهینی^۲ به پاکستان شرقی گسیل کرد (Ladwig, Feb 2010: 6-7).

۵-۱-۵. **صلح‌بانی:** منظور، عملیات‌های نظامی برای حمایت از تلاش‌های دیپلماتیک برای حل و فصل سیاسی و بلندمدت اختلافات، می‌باشد. اغلب این عملیات‌ها با مجوز سازمان ملل انجام می‌شود. هند یکی از بزرگ‌ترین کمک‌کنندگان مهم به مأموریت‌های صلح‌بانی سازمان ملل در سال ۲۰۰۹ بوده است. ارتش این کشور حدود ۸۰۰۰ نفر را به کنگو، لبنان، تیمور شرقی، ساحل عاج و بلندی‌های جولان اعزام کرده است (Ladwig, Feb 2010: 5).

۲-۵. قدرت افکنی نرم هند

هند در کنار توانمندی‌های سخت‌افزارانه خود برای قدرت‌افکنی، توجه ویژه‌ای نیز به ظرفیت‌های فراوان فرهنگی - اجتماعی برای قدرت‌افکنی دارد. هند سالانه چندین میلیون دلار در صنعت فیلم خود سرمایه‌گذاری می‌کند. به گمان مسئولان هندی، قدرت نرم این کشور می‌تواند منجر به پذیرش سریع جهانی شود.

1. Maumoon Abdal Gayoom
2. Mukti Bahini

شورای روابط فرهنگی هند، یکی از متولیان اصلی گسترش قدرت نرم این کشور می‌باشد. توسعه حضور فرهنگی یکی از هدف‌های سیاست خارجی دهلی نو است. هند ۲۴ مرکز فرهنگی در ۲۱ کشور جهان دارد. در این مراکز، فرهنگ و مذاهب هندی آموزش داده می‌شود (Chatterjee, 7 Oct 2009).

۱-۲-۵. تأمین امنیت خطوط ارتباط دریایی: منظور، حفاظت از کشتی‌ها در برابر حمله از سوی دولت‌های دشمن یا تهدیدهای نامتعارف است. همان‌گونه که در رهنامه دریایی هند آمده‌است، تجارت برای اقتصاد هند بسیار اساسی و حیاتی است، پس حمایت از خطوط حمل و نقل دریایی اقیانوس هند، بخش مهمی از این برنامه است. به دنبال حملات ۱۱ سپتامبر، نیروی دریایی هند، نقش زیادی در همرویی (اسکورت) کشتی‌های آمریکایی در تنگه مالاکا، برعهده گرفت. به‌تازگی نیز نیروی دریایی هند در جلوگیری از حملات دزدان دریایی به خلیج عدن اعزام شده‌اند.

۲-۲-۵. عملیات‌های تخلیه^۱ غیرنظامیان: منظور، عملیات‌های دوستانه‌ای که هند برای نجات غیرنظامیان یک کشور که در معرض خطر جنگ یا شورش داخلی هستند، انجام می‌دهد. در خلال عملیات سوکون^۲، نیروی دریایی هند ۲۲۸۰ نفر غیرنظامی هندی، سریلانکایی و نپالی را از لبنان (در جریان جنگ سال ۲۰۰۶) خارج کرد.

۳-۲-۵. واکنش‌ها یا پاسخ‌های انسان‌دوستانه: منظور، استفاده از نیروهای نظامی برای کمک به آسیب‌دیدگان از بلایای طبیعی است. برای مثال به‌دنبال وقوع سونامی سال ۲۰۰۴، نیروی دریایی هند ۳۲ کشتی و بیش از ۲۰ هزار نفر

1. Evacuation
2. Sukoon

از کارکنان خود را برای تخلیه آسیب‌دیدگان، بسیج کرد و منابع اولیه مانند غذا و آب را برای مردم سریلانکا، مالدیو، اندونزی، تایلند و مالزی تأمین کرد.

۶. ملاحظه‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران

آنچه در خصوص سطح توانمندی‌ها و قدرت‌افکنی هند بیان گردید، دربرگیرنده نکته‌ها و ملاحظه‌های راهبردی گوناگونی است؛ چرا که راهبردها و مؤلفه‌های قدرت‌های بزرگ، محیط امنیتی برخی کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و می‌تواند دستورکار امنیتی آنها را دستخوش دگرگونی قرار دهد. به عقیده برخی، قدرت‌های در حال ظهور را باید مدیریت نمود؛ چون ظهور آنها همراه با مخاطراتی است (Schweller, 1999: 1-24).

جمهوری اسلامی ایران نیز به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای، باید در برابر خط‌مشی‌های راهبردی قدرت‌های بزرگ، هوشمندانه اقدام نماید. هرچند مسلمان بودن بیش از ۲۰ درصد از جمعیت هند، مؤلفه مهمی است که جمهوری اسلامی باید آن را در دیپلماسی عمومی و دفاعی خود با هند مورد توجه قرار دهد، ولی قدرت‌افکنی هند از دو جنبه «روشی» و «محتوایی» برای کشورمان حائز اهمیت است.

۶-۱. جنبه روشی

۶-۱-۱. هند قدرت‌افکنی خود را «توان‌محور» تعریف و طراحی کرده است. به این معنی که با فعال ساختن ظرفیت‌های خود و یا ایجاد ظرفیت‌های جدید، ابتدا به قابلیت‌های مورد نیاز دست یافت، سپس براساس سطح جدید قدرت خود، در اندیشه، رهنامه و راهبرد نظامی خود تجدیدنظر کرد و دامنه دربرگیری منافع ملی خود را گسترش داد. در واقع، این توانمندی‌ها، اعتبار راهبرد دهلی نو می‌باشد.

۶-۱-۲. با توجه به کمیابی و به‌منظور بهره‌وری بیشتر از منابع موجود، هند «تهدیدهای آینده خود را سطح‌بندی و اولویت‌بندی نموده» است و براساس آن، نظام تسلیحاتی و ساختار نیرویی خود را سازماندهی و راهبری می‌نماید.

۶-۱-۳. هند حیطه جغرافیای تعریف منافع ملی خود را با توجه به «نیازها» و «مزیت‌های راهبردی» خویش تعریف نموده است. به عبارتی از یکسو با توجه به برتری قابل ملاحظه نیروی دریایی خود، بخشی از مناطق مورد نظر، سرزمین‌های آبی هستند و از سوی دیگر، نیاز این کشور به انرژی و بازار فروش، نیز در تعریف این منطقه نقش اساسی داشته است. پس تعریف جغرافیای امنیتی باید مبتنی بر «نیازهای راهبردی» و «مزیت‌های راهبردی» باشد.

۶-۱-۴. هرچند به نظر می‌رسد که هند با آمریکا دارای روابط ویژه‌ای است، ولی سیاستمداران هندی، از سال ۲۰۰۰ با روسیه وارد «مشارکت راهبردی» شده‌اند (Hansen, Toft, Wivel, 2009: 51). به عبارتی در سیاستگذاری‌های دفاعی باید «استفاده از همه ظرفیت‌های موجود در نظام بین‌الملل» در دستورکار قرار گیرد و «رویکردی عمل‌گرایانه» مورد توجه باشد.

۶-۱-۵. عملکرد هند در فرایند قدرت‌افکنی این کشورها، بیانگر شناخت واقعی دولتمردان دهلی‌نو از «استلزام‌های ایفای نقش قدرت فرامنطقه‌ای یا قدرت بزرگ» است. هند می‌داند که مطرح شدن به‌عنوان قدرت فرامنطقه‌ای یا قدرت بزرگ هزینه‌هایی مانند «مسئولیت‌پذیری» دارد و این «هزینه‌ها» را با اعطای کمک‌های بشردوستانه و شرکت در عملیات‌های صلح‌بانی و... می‌پردازد.

۶-۲. جنبه محتوایی

۶-۲-۱. نیازمندی‌های هند

(۱) ایران به‌لحاظ جغرافیایی بین خلیج فارس، دریای عمان و آسیای مرکزی واقع شده که در امور جهانی و منطقه‌ای بسیار حساس است. ایران در قلب انرژی

جهان (خلیج فارس) واقع شده و مسیر طبیعی انتقال انرژی آسیای مرکزی می‌باشد. این موقعیت ژئواستراتژیک، توان ایفای یک نقش مهم در اتصال نظامی و راهبردی هند به آسیای مرکزی را به ایران داده است، که بستر مناسبی برای قدرت‌افکنی هند خواهد بود. یادآوری می‌شود هند از رابطه با ایران به دنبال یک ایجاد دالان شمال به جنوب به ویژه یک مسیر تجاری بین آسیای مرکزی و بندر چابهار است. موضوع انتقال گاز ایران از مسیر پاکستان (یا خلیج فارس و دریای عربی) به هند بسیار حائز اهمیت است. گفتنی است وابستگی هند در سال ۲۰۲۵ به واردات گاز از ۵۳ درصد در سال ۲۰۰۱ به ۹۱ درصد خواهد رسید (Recknagel, 2001). از سوی دیگر، هند به بازارهای ایران و آسیای مرکزی نیاز دارد. سطح تجارت دو کشور در سال ۲۰۰۸-۲۰۰۷ حدود ۱۲/۸۹۶ میلیارد دلار بود که به این مقدار باید ۲۳ میلیون دلار مبادله محصولات غیرنفتی را نیز افزود (Balooch, 2009: 25-26). مقامات دو کشور تصمیم گرفته‌اند تا سال ۲۰۱۵ حجم مبادلات خود را به ۳۰ میلیارد دلار در سال افزایش دهند. در شرایط کنونی، ایران حدود ۱۴ درصد از نفت خام هند را تأمین می‌کند (India Looks..., 22 July 2010). وابستگی هند به نفت وارداتی در سال ۲۰۲۵، ۷۸ درصد خواهد بود (Recknagel, 2001).

(۲) همان‌گونه که در مقاله اشاره شد، هند، جغرافیای دربرگیرنده منافع ملی خود را توسعه داده است که بخشی از آن، خلیج فارس و آسیای مرکزی است. مناطقی که بدون تردید بخش مهمی از محیط امنیتی کشورمان می‌باشد. به عبارتی هند، راهبرد خود را این‌گونه طراحی کرده است که در مناطق مورد نظر در چارچوب نظریه توسعه همسایگی، حضوری فعال داشته باشد. به گمان هندی‌ها، آنها می‌توانند منافع خود را در این مناطق به گونه‌ای مشروع پیگیری کنند. به عبارتی آنها خلیج فارس را به نوعی منطقه عملیاتی آینده خود تعریف نموده‌اند.

(۳) هند خواهان نفوذ بیشتر در افغانستان با استفاده از رویکرد قدرت نرم است. در این راستا حدود ۱/۳ میلیارد دلار در ساخت جاده‌ها، خطوط انتقال برق و مجلس افغانستان سرمایه‌گذاری کرده است. از سوی دیگر، هند (نیز مانند ایران) خواهان طالبان افراطی نیست. دهلی‌نو خواهان اعمال نفوذ ایران در افغانستان برای کنترل نفوذ پاکستان می‌باشد. هند خاطره خوبی از طالبان ندارد؛ زمانی که افغانستان به‌عنوان یک پایگاهی برای آموزش شبه‌نظامیان کشمیر استفاده می‌شد. واقع مطلب آن است که پیامدهای بی‌تفاوتی هند در مورد ایجاد یک دولت قوی در افغانستان و یک دولت میانه‌رو در پاکستان، فشار زیادی بر امنیت هند وارد خواهد آورد. از این‌رو، برای جلوگیری از وقوع این شرایط، هند به نزدیکی با بازیگران مؤثر مانند ایران نیازمند است.

(۴) هند براساس تحلیلی که از نظام بین‌الملل ارائه کرده، تلاش دارد از شرایط موجود در جهت ارتقای سطح توانمندی‌های خود استفاده نماید. به عبارتی هند با قرار گرفتن در مدار قدرت سیطره‌طلب، و پی‌ریزی مبانی مشارکت و همکاری راهبردی با آن، درصدد بازتعریف جایگاه خود در نظام بین‌الملل و استفاده از این وضعیت برای تأمین هرچه بهتر و بیشتر منافع و امنیت خود است. از جمله نیازهای راهبردی کنونی هند، پذیرش این کشور در جایگاه جدیدی است که دولت دهلی‌نو برای خود تعریف کرده است. بنابراین، دیدگاه ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای می‌تواند برای هند اهمیت داشته باشد.

۲-۲-۶. توانمندی‌های هند

هند به چهارمین قدرت دریایی جهان تبدیل شده است. این به معنی ظرفیت‌های فراوان هند در زمینه صنایع دریایی است که می‌تواند مورد توجه برنامه‌ریزی‌های راهبردی دولتمردان ج.ا.ایران قرار گیرد.

همچنین هند می‌تواند منبع قابل ملاحظه‌ای برای تأمین فناوری‌های سطح بالای ایران باشد.

هند که طیف وسیعی از جنگ‌افزارهای روسی را به شکل تحت لیسانس، تولید می‌نماید، می‌تواند منبع خوبی برای تأمین نیازهای تسلیحاتی و یا تعمیر و نگهداری تسلیحات موجود باشد. همچنین در زمینه روزآمد نمودن جنگ‌افزارها (مانند میگ ۲۹) هند می‌تواند کمک شایان توجهی نماید (The Strategic Partnership, April 2004). دولت دهلی نو می‌تواند در زمینه تهیه رادارهای پیشرفته برای کنترل آتش و مراقبت، تجهیزات مناسبی در اختیار کشورمان قرار دهد. در مجموع، همکاری‌های دفاعی ایران و هند می‌تواند در زمینه‌هایی همچون توسعه زیرساخت‌های دفاعی، گفت‌وگوهای راهبردی دفاعی، برگزاری دوره‌های آموزشی و تمرین‌های نظامی مشترک (مانند سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۳) باشد (Chansoria, Jan-Mar 2010).

نتیجه‌گیری

در مقدمه مقاله بیان گردید که هدف این مقاله تبیین دلایل، ابزار و چگونگی قدرت‌افکنی هند می‌باشد. یافته‌های این مقاله را می‌توان در قالب موارد زیر دسته‌بندی کرد:

۱. هند با اتکا به فناوری‌های سطح بالا و سرمایه‌گذاری‌های مناسب، پیگیری راهبردهای مناسب، و با استفاده از منابع قدرت و ظرفیت‌های موجود، به سطح بالاتری از قدرت دست یافته و این موضوع منجر به بازتعریف منافع این کشور گردیده است.
۲. دولت دهلی نو با توجه به شناخت قابلیت‌های سخت‌افزارانه و نرم‌افزارانه خود و تحلیل برنامه‌ها و اقدامات دولت‌های رقیب (پاکستان و چین)، تفکر راهبردی مناسبی را صورت‌بندی نموده‌اند که مناسب با شرایط محیط راهبردی و

- تغییرات ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی بوده و پاسخگوی نیازهای راهبردی این کشور باشد.
۳. هند از جمله نامزدهای مطرح برای تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ در قرن ۲۱ است. شاید بتوان گفت اگر آمریکا در اوایل قرن ۲۰ به‌عنوان یک قدرت بزرگ ظهور یافت، هند نیز در ابتدای قرن ۲۱ در حال ظهور است.
۴. در قدرت افکنی هند، دریا و نیروی دریایی جایگاه ممتازی دارد. در واقع هند با توجه به مزیت‌های راهبردی خود در این حوزه، استفاده از آن را به‌عنوان محرک و ابزار اصلی قدرت افکنی در دستورکار دارد.
۵. قدرت افکنی هند، «توان محور» است. به عبارتی بازنگری در هدف‌ها و منافع پس از رسیدن به سطح بالاتری از قدرت محقق شده است.
۶. هند در کنار قدرت افکنی سخت‌افزاری از بُعد نرم‌افزاری قدرت افکنی نیز غافل نبوده است. به گمان آنها تولید قدرت افکنی سخت‌افزارانه می‌تواند اعتبار را به‌مثابه قدرت افکنی نرم‌افزارانه افزایش دهد. البته هندی‌ها در کنار این جنبه، به بُعد نرم‌افزاری به‌گونه‌ای مستقل نیز می‌نگرند. بنابراین ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در قدرت افکنی هند به‌عنوان مکمل، همواره مدنظر هستند.
۷. هند در قدرت افکنی خود، هوشمندانه عمل می‌نماید. توضیح آنکه دولت دهلی‌نو، تلاش دارد قدرت افکنی خود را صلح‌طلبانه جلوه دهد. در این رابطه می‌توان به پیش‌قدم بودن در مأموریت‌های صلح‌بانی سازمان ملل اشاره کرد.
۸. هند در راستای قدرت افکنی خود با ارائه تحلیلی از نظام بین‌الملل، وارد مشارکت راهبردی و گفت‌وگوهای راهبردی با همه قدرت‌های مهم جهان شده است.
۹. دولت دهلی‌نو تلاش دارد قدرت افکنی خود را همراه با نوعی «مسئولیت‌پذیری» ایفا نماید. به این معنی که ارتش این کشور در بلایای طبیعی منطقه، نقش و حضوری مؤثر داشته است.

۱۰. در رابطه با قدرت افکنی هند باید به شرایط بین‌المللی توجه داشت. به این معنی که آمریکا نیز به نوعی با قدرت افکنی هند، همسو است و از آن حمایت می‌کند. شاید بتوان با استفاده از منطق راهبردی دلایل این همسویی را بیان کرد. موازنه‌سازی یکی از جلوه‌های کاربریست منطق راهبردی است. ایالات متحده برای مهار چین به مثابه یکی از رقبا و شاید تهدید اصلی خود، می‌تواند از رویکردهای قدرت افکنانه هند استفاده نماید. از سوی دیگر، منطق راهبردی حکم می‌کند که رقبا را باید مهار نمود. پس هند و چین به‌عنوان قدرت‌های در حال ظهور، یکدیگر را کنترل می‌نمایند.
۱۱. گسترش روابط و مناسبات دفاعی ایران و هند، می‌تواند در تعدیل رفتار راهبردی قدرت‌های رقیب ج.ا. ایران مؤثر باشد.
۱۲. نزدیکی و تعامل بیشتر ایران و هند می‌تواند گام مهم و مؤثری در شکل‌گیری نظامی چندقطبی (به‌عنوان خواست و سیاست مشترک دو کشور) در ساختار بین‌المللی باشد. نظام بین‌الملل تک‌قطبی تحت سیطره آمریکا، محیط نارسایی برای پیگیری هدف‌ها و راهبردهای امنیتی و دفاعی ج.ا. ایران است.

Archive

منابع و مأخذ

۱. منابع فارسی

۱. ازغندی، علیرضا (۱۳۷۴)، *مسائل نظامی و استراتژیک معاصر*، تهران، سمت، ۱۳۷۴.
۲. مرشایمر، جان (۱۳۸۸)، *تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ*، ترجمه غلامعلی چگنی‌زاده، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۳. مورگنتا، هانس (۱۳۷۴)، *سیاست میان ملت‌ها*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

۲. منابع انگلیسی

1. Balooch, Mahmoud (2009), Iran and India's Cooperation in Central Asia, *China and Eurasia Forum Quarterly*, Volume 7, No. 3.
2. Blank, Stephen (25 Dec 2003), India's Grand Strategic Vision gets Grander, available at: www.atimes.com
3. Carter, Clarence Earl (1 April 1996), *The Indian Navy: a Military Power at a Political Crossroads*, Alabama, Maxwell Air Force Base.
4. Chansoria, Monika (Jan-Mar 2010), India-Iran Defence Cooperation, *India Defence Review*, Vol 25.
5. Chatterjee, Madhusree (7 Oct 2009), India Projecting its Soft Power Globally: ICCR Chief, available at: www.thaindian.com/newsportal.
6. Cordesman, Anthony (14 Sep 2010), The Military Balance in Asia: 1990-2010, available at: www.csis.org
7. Dsouza, Larkins (7 Jan 2008), Farkhor a Indian Air Force Base in Tajikistan, available at: www.defenceaviation.com
8. Elkin, Jerrold F and Brian Fredericks (May-June 1983), Military Implications of India's Space Program, *Air University Review*.
9. Engelbrecht, Leon (29 March 2010), Fact file: Classifying Armed Forces, available at: <http://defenceweb.co.za>
10. *Freedom to Use the Seas: India's Maritime Military Strategy* (2007), New Delhi, Integrated Headquarters Ministry of Defense (Navy).
11. Gogbole, Avinash (2009/6/30), India's Force Projection in Eastern Sector, available at: www.clawsin.com
12. Gunzinger, Mark (1993), *Power Projection: Making the Tough Choices*, Alabama, Maxwell Air Force Base.
13. Hansen, Birthe, Toft, Peter and Wivel, Anders (2009), *Security Strategies and American World Order*, New York, Routledge.
14. Hilali, A.Z (Sep-Oct 2001), India's Strategic Thinking and its National Security Policy, *Asian Survey*, vol 41, No 5.
15. Howe, Brendan, Geopolitical Vision 2025, available at: www.eurasiacenter.org
16. India - The quest for Air Power Projection, available at: www.defence.pk/forums
17. India Looks Toward Iran (22 July 2010), available at: www.raceforiran.com

18. India's Great Power Plans (29 March, 2010), available at: www.defence.pk/forums/world-affairs/52600-india-s-great-power-plans.html
19. Indian Navy (2004), *The Indian Maritime Doctrine*, New Delhi, Ministry of Defence.
20. Indian Power Projection: New Homegrown Aircraft Carrier (8 Mar 2009), available at: www.instablogs.com
21. Jajan, D S (7 Jan 2010), How China Views India's New Defence Doctrine, available at: www.defence.pk.
22. Kamphausen, Roy and Justin Liang (2007), PLA Power Projection, in Michael Swaine, Andrew Yang and Evan Medeiros, *Assessing the Threat: The Chinese Military and Taiwan's Security*, Washington, Carnegie Endowment for International Peace.
23. Ladwig, Walter (17-21 February 2010), *India and Military Power Projection*, A Paper Prepared for International Studies Association Annual Conference, New Orleans
24. Ladwig, Walter (2009 A), Delhi's Pacific Ambition: Naval Power, "Look East," and India's Emerging Influence in the Asia-Pacific, *Asian Security*, vol. 5, No. 2.
25. Ladwig, Walter (2009 B), The Challenge of Changing Indian Military Doctrine, available at: www.india-seminar.com
26. Ladwig, Walter (2010), India and the Balance of Power in the Asia-Pacific, *JFQ*, issue 57, 2d quarter.
27. Panikkar, Kavalam (1945), *India and the Indian Ocean: An Essay on the Influence of Sea Power on Indian History*, London, George Allen & Unwin.
28. Pant, Harsh (2005), India's Nuclear Doctrine and Command Structure, *Comparative Strategy*.
29. Phadke, R.V (Jan 2001), Response Options: Future of Indian air Power Vision 2020, *Strategic Analysis*, vol 24.
30. Rabinowitz, Gavin (2008/6/17), Indian Army Wants Military Space Program, www.newsvin.com
31. Rajain, Arpit (2005), *Nuclear Deterrence in Southern Asia*, London, Sage.
32. Recknagel, Charles (2001), "Iran: India Deepens Strategic Partnership", Available at www.rferl.org/nca/features/2001/04/13042001120322.asp
33. Saighal, Vinod (11 Aug 2009), India as an Emerging Global Power, available at: www.geetha.mil.gr
34. Schweller, Randall (1999), Managing the Rise of Great Powers, in Alastair Iain Johnston and Robert Ross (ed.), *Engaging China*, London and New York, Routledge.
35. Scott, David (2006), "India's 'Grand Strategy' for the Indian Ocean: Mahanian Visions," *Asia-Pacific Review*, vol 13, No 2.
36. Scott, David (Winter 2007-08), India's Driver for a 'Blue Water' Navy, *Journal of Military and Strategic Studies*, vol. 10, Issue 2
37. Sharma, Ritu (21 November 2008), Indian Navy - Projecting a Force beyond Borders, available at: www.nerve.in/news:253500184630
38. Subramaniam, Arjun (Fall 2008), The Strategic Role of Airpower: An Indian Perspective on How We Need to Think, Train, and Fight in the Coming Years, *Air & Space Power Journal*.
39. The "Strategic Partnership" Between India and Iran (April 2004), *Asia program Special Report*.
40. United States Department of Defense's Dictionary of Military and Associated Terms, Available at: www.dtic.mil/doctrine/jel/doddict/data/p/04175.html.
41. Vaidya, Keshav (1949), *The Naval Defence of India*, Bombay, Thacker.

Archive of SID